

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אגדה קלדרה

שמדי

جهت مفظ قدوسیت این نشریه از دور انداقتن آن فودداری فرمایید.

28 نیسان 5781

گفتاری روشنگر

گوشت بسیار سخت بود و یک روز کامل وقت می‌خواست ، ولی هر شخصی خودش مرغ ، گاو یا گوسفند را بررسی می‌کرد و مطمئن بود دست یا پای آنها نشکسته‌اند ، خوب شخیطاً شده و خوب نمک و آبکشی شده‌اند و پس از زحمت بسیار ، شخص مطمئن بود غذای کاشر می‌خورد. ولی امروزه همه چیز به صورت صنعتی و با تعداد انبوه انجام می‌شود و امکان ندارد مرغ و گوشت یکی یکی بررسی شوند پس نمی‌توان مطمئن بود تمام مرغها و گوشتها از اول تا آخر بررسی شده‌اند و بر این مورد تکیه می‌کنیم که اگر هم موردی بوده ، در این تعداد زیاد باطل شده است.

در این صورت ، علاوه بر این که باید از مکانی خرید نمود که مجوز کسروت او خوب است ، همچنین باید تفیلا بخواند که خد-اوند از او مواظبت نماید که غذای غیر کاشر نخورد. مورد دیگر اینکه فرد نباید در این تصور باشد که همه چیز کاشر است و در هر مکان می‌توان نشست و غذا سفارش داد ، زیرا گاهی صاحب رستوران یا کیتیرینگ دقت نمی‌کند تمام مواد اولیه به اندازه کافی کاشر باشند و یا اینکه مرغ و گوشت ارزان پیدا می‌کند و با اینکه به اندازه کافی کاشر نیستند ، آنها را می‌خرد و با دیگر مرغها و گوشتها مخلوط نموده و به عنوان غذای کاشر اعلاء می‌فروشد.

پس قبل از وارد کردن هر چیزی در داخل دهان ، باید بررسی نمود آیا واقعاً این غذا کاشر است یا خیر ، زیرا مصرف غذای کاشر کلید نگهداری از توراہ و میصواهای آناست و وقتی شخص تمام سعی خود را می‌کند ، خد-اوند نیز مراقب وی است که غذاهای غیر کاشر نخورد.

این پاراشا در مورد کاشر بودن غذاها صحبت می‌کند و توضیح می‌دهد کدام حیوان برای خوردن کاشر است و کدام حیوان برای خوردن ناپاک است ، همچنین توراہ درباره ماهیان و پرندگان پاک صحبت می‌کند. در ادامه ، توراہ خوردن هر گونه کرم را ممنوع می‌دارد.

دانشمندان توراہ فرموده‌اند: "اگر از مصر بیرون نیامده بودیم فقط برای این که میصوای کاشر بودن غذاها را نگه داریم ، همین کافی بود."

زیرا خوردن غذاهای کاشر کلید نگه داشتن کل توراہ است ، زیرا وقتی شخص غذایی می‌خورد ، خصوصیت آن غذا وارد بدن وی می‌شود ، زیرا غذا به خون و قسمتی از بدن او تبدیل می‌شود ، به همین جهت خد-اوند خوردن یک سری از حیوانات و پرندگان را ممنوع داشته ، زیرا این حیوانات خصوصیت ناشایستی دارند و شخصی که از آنها تغذیه می‌کند ، به مانند آنها رفتار خواهد کرد. علاوه بر این ، غذاهای غیر کاشر قلب و مغز انسان را در برابر آموزش توراہ و انجام میصواهای توراہ می‌بندند. به همین دلیل است که افراد غیر یهودی و آن یهودیانی که هنوز میصوای غذای کاشر را نگه نمی‌دارند ، برایشان سخت است میصواهای توراہ را انجام دهند و قوانین توراہ را بفهمند و گاهی که هلاخایی را می‌شنوند ، بسیار تعجب می‌کنند. دلیل این مورد این است که ابزار دریافت توراہ که همان قلب و مغز می‌باشد ، به وسیله غذاهای غیر کاشر بسته شده و نمی‌توانند قوانین خد-اوند را بفهمند.

در دوران ما ، نگهداری میصوای غذای کاشر سخت‌تر از دوران قدیم است ، زیرا در دوران قدیم ، با اینکه شخیطاً و نمک کردن مرغ و

1 اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی ، پیشنهاده و یا سوالی در امور هلافا و زندگی) روزمره دارید از اتمام لطف

دهان و زبان

گاهی برای خوردن غذای کاشر و جلوگیری از خوردن غذای غیر کاشر، باید پول بیشتری خرج نمود. در این مورد نیز باید توجه کرد که خوردن غذای غیر کاشر نفس انسان را نابود می‌کند و قلب و مغز وی را در برابر درک تورا می‌بندد و خداوند را از بدن او دور می‌نماید. غذاهای غیر کاشر باعث می‌شوند که بدن فرد خصوصیت حیوانی را به خود بگیرد.

مسئله یشاریم در ادامه می‌نویسد: "شخص عاقل باید تصور کند غذاهای غیر کاشر به مانند غذاهای سمی می‌باشند." اگر به شخص بگویند در این غذا سم ریخته شده، ولی بر طبق نظریه عده‌ای از پزشکان، خوردن این غذا ضرری ندارد. آیا فرد عاقل این غذا را می‌خورد؟! حتی اگر هم به او پول بدهند، به این غذا لب نمی‌زند و اگر هم بخورد، نشان می‌دهد عقل سالمی ندارد. مسیلت یشاریم در ادامه می‌نویسد: "غذای غیر کاشر برای قلب و نفس انسان به مانند سم می‌ماند. پس کدام شخص عاقلی در این مورد کم کاری می‌کند؟!"

ربی یوسف خیم روحش شاد از یاد هاری زال می‌نویسد: "شخصی که همواره بررسی می‌کند غذای غیر کاشر نخورد، در جایی که امکان بررسی برای وی موجود نیست، خداوند مراقب او است که گرفتار خوردن غذای غیر کاشر نشود." و تا به حال چندین بار ثابت شده شخصی که تمام سعی خود را می‌کند که غذای غیر کاشر نخورد، خداوند از او مواظبت نموده که گرفتار این گناه نشود.

در مورد ربی خیم سوپر روحش شاد راو شهر فست نقل شده که شخصی یهودی که کافر شده بود، تصمیم داشت به هاراو خیم سوپر غذای غیر کاشر بخوراند. این شخص یابینی گران قیمت خرید و آن را نذر بت کرد و بر طبق هلاخا، نوشیدن این یابین ممنوع است. سپس دو تا مهر کاشر بر این یابین چسباند که معلوم نباشد که این یابین باز شده است. این شخص کافر، این یابین را کادو نمود و به نزد هاراو خیم سوپر آورد و گفت: "گمارا (مسخت یوما، برگ ۷۱، صفحه اول) می‌فرماید که در این زمان که بیت‌همیقداش ویران است، شخصی که می‌خواهد برای بیت‌همیقداش یابین نذر کند، می‌تواند این یابین را به دانشمند تورا بدهد. حال من می‌خواهم این میصوا را انجام دهم، هم چنان که می‌بینید، این یابین مهر و موم و

شلومو هملخ در کتاب میسلی (فصل بیست و یکم) می‌فرماید: "شخصی که خود را ننگه می‌دارد، نفس خود را از دردسر نجات می‌دهد." باید فهمید منظور شلومو هملخ از "دهان" و "زبان" چیست؟

هگائون ربی الياهو از ویلنا روحش شاد در تفسیر این مورد می‌نویسد: "نگهداری از دهان مربوط به نخوردن غذاهای غیر کاشر می‌باشد و نگهداری از زبان مربوط به نگفتن صحبت‌های ممنوعه است."

باید دانست هر موردی که بر آن مهر کاشر زده شده، کاشر نیست و گاهی مهر قلبی دارد. ربی مشه خیم لوصاتو در کتاب مسیلت یشاریم توضیح می‌دهد:

"فرد باید بسیار مراقب باشد غذای غیر کاشر نخورد، چه در مورد مرغ و گوشت طرِفا، چه در مورد گوشت و شیر، چه در مورد پی و چربی‌های ممنوعه، چه در مورد غذاهایی که به دست غیر یهودی پخته شده‌اند، چه در مورد یابین و شراب غیر کاشر. زیرا انسان برای خوردن غذاهای خوب هوس دارد."

وقتی شخص غذای خوشمزه‌ای را می‌بیند، نمی‌تواند جلوی خود را بگیرد و خود را قانع می‌کند که این غذا کاشر است و می‌توان آن را خورد...

یک بار هسبا از سالابودکا روحش شاد از کنار ایستگاه قطار عبور می‌کرد و از کنار یک قصابی رد شد و در آن قصابی یک کالباس آویزان شده بود. هسبا از سالابودکا احساس نمود که هوس دارد این کالباس را بخورد.

هسبا از سالابودکا با خود گفت: "بدن من صاحبخانه نشامای من شده و برای من تعیین می‌کند چه چیز خوشمزه و چه چیز خوشمزه نیست، من نذر می‌کنم تا بیست و پنج سال دیگر اصلاً هیچ کالباسی نخورم!"

بدن باید خدمتکار نشاما و نشاما باید رهبر بدن باشد.

فرد نباید به دنبال شکم خود برود و هر غذایی را که می‌بیند، بگوید این غذا کاشر است و می‌شود آن را خورد. بلکه باید برای سالم نگه داشتن بدن خود غذا بخورد و آن را سالم و پر قدرت نگه دارد تا بتواند به تورا و میصواهای خداوند مشغول گردد.

آن وکیل گفت: "من داشتم در خیابان راه می‌رفتم که بدون هیچ دلیلی راو شهر در مقابل چشم همگان به من دو سیلی زد." قاضی از ربی خیییم پرسید: "آیا واقعاً به این شخص دو سیلی زدید؟"

ربی خیییم سوپر فرمود: "بله جناب قاضی."

قاضی پرسید: "به چه علت؟"

ربی خیییم در پاسخ فرمود: "زیرا این شخص به پدر من بی‌احترامی نمود."

وکیل در دفاع از خود گفت: "درست نیست جناب قاضی، من اصلاً پدر او را نمی‌شناسم."

ربی خیییم سوپر فرمود: "مشکل من هم همین است، تو پدر من، خد-اوند را نمی‌شناسی و برای بی‌احترامی به پدر من، در مقابل چشم من، سیگار روشن می‌کنی و در روز شبات سیگار می‌کشی."

قاضی کل ماجرا را شنید و تصمیم گرفت حق را به ربی خیییم سوپر بدهد. شخصی که در همه موارد رضایت خد-اوند را در نظر دارد، خد-اوند نیز به او کمک می‌کند که همیشه موفق و پیروز باشد.

ربی بیصحاق مؤیر التر روحش شاد می‌نویسد:

اگر قبل از خوردن هر غذایی شخص بگوید: "خد-اوندا، من نمی‌خواهم غذای غیر کاشر بخورم و اگر این غذا کاشر نیست، من ترجیح می‌دهم این غذا در گلویم گیر کند و خفه شوم، ولی مرتکب گناه غذای غیر کاشر نشوم." این عبارت این خاصیت را دارد که شخص را از خوردن غذای غیر کاشر نجات دهد.

حال نه تنها شخص باید مواظب باشد چه چیزی وارد دهان خود می‌کند، بلکه باید مواظب باشد سخنان ممنوعه نیز را از زبان خویش جاری نکند.

در فصول پدران (فصل اول، میسنای ۱۷) آمده است: ربان شیمعون بن گملیئل فرمود: "تمام عمرم بین دانشمندان توراه بزرگ شدم و برای بدن هیچ چیز بهتر از سکوت پیدا نکردم."

باید فهمید چرا ربان شیمعون بن گملیئل می‌فرماید سکوت برای بدن خوب است؟ و نه برای نفس یا نشاما؟

دانشمندان توراه می‌فرمایند وقتی شخص غیبت می‌کند، بدن وی بیماری برص می‌گیرد، هم چنان که وقتی میریام هنیئا پشت سر مشه رینو صحبت نمود، بیماری برص گرفت. حال درست است که شخصی که سکوت می‌کند و جلوی زبان خود را می‌گیرد که سخن ممنوعه از زبان خود خارج ننماید، به نشامای خود سود می‌رساند،

کاشر است، لطفاً این یابین را از من قبول کنید و من را به این میصوا مزکی نمایید." ربی خیییم سوپر از این هدیه خوشحال گشت، یابین را به همسر خود داد و فرمود: "به امید خد-اوند، شب شبات بر این یابین قیدوش خواهیم گفت."

برای اینکه این بطری یابین نشکند، همسر ربی خیییم سوپر یابین را زیر تخت گذاشت تا بعداً جای مناسب‌تری پیدا نماید، ولی به سبب مشغله، فراموش نمود که یابین را از زیر تخت بردارد و آن یابین چند روز زیر تخت ماند. بر طبق هلاخا، اگر زیر تخت مواد غذایی باشد و شخص بر روی این تخت بخوابد، این مواد غذایی را نباید خورد. چون این یابین بسیار گرانبییمت بود، ربی خیییم نمی‌خواست این یابین را دور بریزد و به همین جهت، آن را به خدمتکار غیر یهودی خود داد."

یک هفته بعد، آن شخص به نزد ربی خیییم سوپر آمد و پرسید: "یابینی که برای شما هدیه آوردم چطور بود؟"

ربی خیییم فرمود: "قسمت نبود که از آن یابین بنوشیم." رنگ از صورت آن شخص پرید و پرسید: "چرا جناب راو؟ آن یابین کاشر و بسیار پر کیفیت بود؟"

ربی خیییم سوپر در پاسخ فرمود:

"یابین را زیر تخت فراموش کردیم و چون نوشیدن آن ممنوع بود، آن را به خدمتکار غیر یهودی خود دادم."

آن شخص که بسیار متعجب شده بود، گفت:

"جناب راو، خد-اوند مراقب شما بود، من اعتراف می‌کنم این یابین را نذر بت کرده بودم و می‌خواستم شما را با این یابین گناهکار کنم، ولی از جانب خد-اوند مراقب شما بودند."

یک بار دیگر نیز ربی خیییم سوپر در روز شبات در خیابان راه می‌رفت که شخصی یهودی که دین را ترک کرده بود، با وی مواجه گشت. این شخص یهودی برای اینکه نشان دهد هیچ اهمیتی برای میصوای شبات قائل نیست، سیگار خود را روشن نمود و روبروی ربی خیییم سوپر مشغول به سیگار کشیدن شد. ربی خیییم که از خواری اهمیت شبات بسیار ناراحت شد، به این شخص دو سیلی محکم زد. این شخص که وکیل بود، به دادگاه رفت و از ربی خیییم سوپر شکایت نمود.

دادگاه هر دو را برای قضاوت فراخواند و قاضی از وکیل پرسید: "تعریف کن چه اتفاقی افتاد؟"

هاراو یخزقتل لوینشتین در پاسخ فرمود: "این همان دروغگویی است و توراه در مورد چنین سخنی می‌فرماید: "از صحبت دروغ دوری کن".

مهر خد-اوند حقیقت است و وقتی شخص دروغ می‌گوید، از خد-اوند دور می‌شود و بین خود و خد-اوند فاصله می‌اندازد. انسان همواره باید مراقب باشد زبان خویش را از دروغگویی، غیبت، فحش و نفرین و کلمات ناشایست دور نماید. وقتی شخص سخنان ناشایست بر زبان خود جاری می‌نماید، باعث می‌شود جوانان قوم بیسراقل در سن جوانی بمیرند (گمارا، مسخت شبات، برگ ۳۳، صفحه اول). بدترین سخن ممنوعه، سخن چینی است و هر صحبتی که بر ضد شخص دیگری باشد، سخن چینی محسوب می‌شود.

شخص باید سعی نماید سخنان باطله و بیهوده از زبان خود خارج نکند، مثلاً فلان مملکت چنین است و فلان چیز به این صورت است. سخنانی که در آنها هیچ منفعتی نیست، سخنان باطله محسوب می‌شوند و با وجودی که گفتن چنین سخنانی گناه نیست، ولی وقتی شخص با این سخنان گرم می‌شود، نه تنها از آموزش توراه و انجام میصوا باطل می‌شود، بلکه ممکن است در بین حرفهای خویش، سخن ممنوعه از جمله غیبت و سخن چینی نیز بگوید.

بهترین صحبت، نقل خوبیهای دانشمندان توراه است، زیرا این باعث می‌شود تا ایمان انسان به خد-اوند قوی گردد و بالاتر از این، مدح و تشکر از خد-اوند است و شخص باید یاد بگیرد در هر موردی، از خد-اوند تشکر نماید و مدح وی را بگوید.

برگرفته از "مکید دواراو لیمقوب".

ولی این سود تنها شامل نشاما نمی‌شود، بلکه بدن شخص نیز از بیماری و بلا در امان می‌ماند.

نه تنها این، بلکه دانشمندان توراه فرموده‌اند برای هر شخصی تعیین شده چند کلمه صحبت نماید و وقتی کلمات خود را تمام می‌کند، فوت خواهد نمود. بدین صورت، با هر کلمه‌ای که از دهان خود خارج می‌کند، قسمتی از جان خود را از دست می‌دهد. این مورد فقط درباره مسائل بیهوده و بی‌مورد گفته شده، ولی وقتی فرد درباره مسائل توراه صحبت می‌کند، نه تنها از عمر وی کم نمی‌شود، بلکه به عمر او نیز اضافه هم می‌شود.

در کتاب رشیت خوخما آمده است: "شخصی که سکوت می‌کند، تفیلائی او مورد قبول واقع می‌شود، در موقع تفیلا افکار مختلف مزاحم وی نمی‌شوند و..."

هارامبام در توضیح این می‌شناسد: وقتی شخص زیاد صحبت می‌کند، امکان ندارد سخنان ممنوعه از دهان خود خارج نکند. همواره شخص باید در مورد توراه و میصواهای آن صحبت نماید و این صحبت، میصوا محسوب می‌گردد.

شخص باید از دروغ پرهیز نماید و دروغگویی به چند صورت است. یک بار از هاراو بخزقتل لوینشتین پرسیدند: "می‌دانیم دروغگویی ممنوع است، ولی آیا می‌توان اغراق نمود؟"

ربی یخزقتل فرمود: "من نمی‌دانم اغراق یعنی چه، برایم توضیح دهید؟"

در پاسخ به وی گفتند: "ما وضعیت را قشنگ‌تر می‌کنیم، برخی از موارد را نمی‌گوییم، قسمتی دیگر را بزرگ جلوه داده و صحبت را تزئین شده می‌گوییم."

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **پروشالییم:** گنولا، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳، آقای کهن فولادی ۰۵۴-۹۳۷۸۲۸۱ * **کفرسابا:** آقای مروتی کهن تلفن ۰۵۲-۳۵۶۱۵۲۹

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۰۵۲-۸۶۸۶۸۸۶ * **بیثار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۰۵۴-۸۱۴۲۸۹۳۶

* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)